**صدای مشاور**

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ پرسش‌های حقوقی خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹ تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

## زندانی شدن سارق چه سودی برای مال‌باخته دارد؟

**فرزانه عمادی|** تشکیل پرونده های سرقت امروز به دلیل فراوانی ارتکاب جرم به یکی از دغدغه های دستگاه قضا وپلیس بدل شده است. ازسوی مقابل پس از دستگیری سارق یاسارقان، عموما این افراد توانایی برگرداندن مال تلف شده راندارندیاقادربه‌جبران‌ضرروزیان‌بزه‌دیده‌نیستندواین‌درحالی است که‌بسیاری از مال‌باختگان بیان می کنند، بازگرداندن مال مسروقه و جبران خسارت برای آن‌ها در اولویت است. حال سؤال اساسی اینجاست که زندانی کردن سارق چه فایده‌ای به حال بزه دیده دارد وقانون در این باره چه تدابیری اندیشیده است؟ برای پاسخ به این سؤال به سراغ زهیر جهاندیده، مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد حقوقی رفته ایم که شرح گفت‌وگو با این حقوقدان را در ادامه می خوانید.

● **درجرائم مالی مانند سرقت، مجازات سارق چه فایده‌ای برای قربانی جرم دارد؟ مال باختگانی که تمام یا بخشی از دارایی خود را از دست داده‌اند، آیا زندانی کردن سارق ضرر و زیان آن ها را جبران می کند؟**

برخی بر این نظرند که‌مجازات سزای بدهکاری مجرمان است، بنابراین باید وجود داشته باشد. برخی دیگر قائل بر این هستند که‌هدف از اعمال مجازات کاهش ارتکاب جرم وپیشگیری از ارتکاب جرم‌های بعدی است. اما نمی‌توان در جرائمی مثل سرقت، ثابت کرد که‌هر قدر مجازات بیشتری تعیین شود، ارتکاب جرائم کاهش می‌یابد. به‌تعبیر دیگر کاهش جرائم صرفا در گرو تشدید مجازات نیست ودر کنار آن سایر عوامل اقتصادی وفرهنگی نیز تأثیرگذار هستند. به‌طور قطع زندانی کردن سارق به‌تنهایی نمی‌تواند جبران ضرر وزیان مادی بزه‌دیده رافراهم کند وباید در کنار مجازات اصلی تدابیر دیگری نیز اتخاذ شود.

● **دستگاه قضا از نظر قانونی به وظیفه خود برای مجازات قاطع سارقان عمل می کند، اما درباره پرداخت خسارت به مال باختگان مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی، عمل نمی‌شود، چرا؟**

مرتکب جرم باید خسارت وارد شده به‌مال‌باخته راجبران کند ومالی را که سرقت کرده است به صاحبش برگرداند یا اگر مال تلف شده باشد قیمت آن راپرداخت کند، اما گاهی از اوقات مرتکب جرم مال مسروقه رابه‌فروش رسانده یااز بین برده است واکنون توانایی مالی مساعدی ندارد تاخسارت وارده راجبران کند، در چنین وضعیتی برخی بر این نظرند که‌دولت می تواند خسارت قربانی را تأمین وسپس به‌عوامل اصلی رجوع کند. درواقع دولت به‌دلیل روابط دولت وشهروندی، حقوق وتکالیفی نسبت به‌شهروندان دارد که‌از آن جمله تأمین امنیت جان ومال شهروندان دربرابر خطرات ازجمله جرائمی مانندسرقت است. در این راستانهادهای حمایتی مانندبیمه تاسیس شده تااز آلام بزه‌دیده جرم بکاهد.

● **آیا بهتر نیست به جای زندانی کردن سارق، مجازاتی اعمال شود که سارق بتواند با کار، بخشی از مالی را که سرقت کرده به مال باخته برگرداند، چون زندانی کردن کسی که هیچ مالی ندارد به نظر می رسد سودی هم نخواهد داشت؟**

دولت ها می توانند شرایطی فراهم آورند تامحکومان جرائم مالی به‌جای نگهداری وزندان مشغول به کار شوند تابخشی ازدرآمدهایشان برای جبران خسارت ناشی از ارتکاب جرم اختصاص یابد. همچنین دولت ها می‌توانند بامهیا کردن بستر صلح وسازش باتوافق مجرم وشاکی اختلافات فی‌مابین آن ها راحل وفصل کنند که‌این اقدام می‌تواند گام مؤثری دراعمال مجازات سارق باشد. ازسویی دیگر قربانی جرم بارضایت کامل نحوه جبران خسارت خود رابا توافق بامتهم تعیین کند.

● **کلام آخر؟**

با اینکه مجازات های جایگزین حبس درقانون پیش‌بینی شده اما این جایگزینی درآمدی برای مجرم ندارد وموجب کاهش خسارات بزه‌دیده نمی‌شود، بنابراین می طلبد که‌قانون گذار مواردی چون کار اجباری رادر کنار مجازات اصلی برای سارقان درنظر بگیرد که‌تا اندازه‌ای خسارت بزه‌دیدگان ومال باختگان از این طریق مرتفع شود. چون به‌نظر می‌رسد زندانی کردن سارق تنها بار مالی برای دولت دارد وازسوی دیگر زمینه اشتغال برای این گروه فراهم می‌شود، این درنوع خود یک اقدام پیشگیرانه است.

**آخر خط**

## سامانه‌های جعلی پیامکی همچنان قربانی می گیرند

**شهرآرا|** رئیس پلیس فتای مشهد از دستگیری فردی کلاهبردار که با ترفند ارسال پیامک شهروندان را تلکه می‌کرد، خبر داد. سرهنگ سید ابوالفضل طالب الحق در تشریح جزئیات این پرونده گفت: مردی میان‌سال به پلیس فتا مراجعه کرد و مدعی شد ۴۱میلیون ریال از حساب بانکی‌اش با مراجعه به سایتی موصوف به ابلاغیه قضایی برداشت شده است. در بررسی‌های این پرونده مشخص شد که شاکی از طریق لینک جعلی پیامکی مبنی بر اینکه «علیه شما در دادسرای عمومی و انقلاب شکایت شده و جهت مشاهده متن شکواییه می‌توانید از طریق لینک زیر اقدام کنید» بر روی لینک مربوط کلیک کرده و اطلاعات حساب کارت بانکی خود را در محل مشخص وارد و بعد از آن پیامک برداشت از حساب بانکی‌اش را دریافت کرده است. این مقام انتظامی مشهد افزود: با اقدامات فنی و تخصصی، کارشناسان پلیس فتا در همان دقایق ابتدایی مبلغ کلاهبرداری شده را به حساب فرد مال‌باخته عودت دادند و فرد کلاهبردار را نیز شناسایی و دستگیر کردند.

## دکان فروشنده موادمحترقه تخته شد

**شهرآرا|** عوامل دایره نظارت بر اماکن عمومی کلانتری آبکوه مشهد هزاران عدد انواع مواد محترقه خطرناک را از یک واحد صنفی کشف و توقیف کردند. مأموران کلانتری آبکوه در این عملیات ضمن شناسایی واحد صنفی متخلف که زنی جوان آن را مدیریت می‌کرد، وارد عمل شدند و در بازرسی از محل تعداد ۱۰ هزار و ۶۰۰عدد انواع مواد محترقه خطرناک را کشف کردند. متهم پس از تشکیل پرونده اولیه به مراجع قضایی معرفی شد و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

---

### گپ و گفتی با ابوالفضل رفیعی از تأثیرگذارترین نیروهای جمعیت هلال احمر خراسان رضوی که معاونت امداد و نجات استان را به عهده دارد

# از مرگ گریخته!

لیلا کوچک‌زاده

**گفت‌وگو**

ابوالفضل رفیعی سی‌وشش ساله که به‌تازگی در سمت معاونت امداد و نجات جمعیت هلال احمر خراسان رضوی ایستاده است، در نوزده‌سال امدادگری کوله‌باری از تجربه، نجات وتدریس دارد و باید او را از تأثیرگذارترین افراد این سازمان دانست. بار اول که او را می‌بینید، چند ویژگی خاص همان ابتدا نظرتان را جلب می کند؛ قد بلند، شوخ‌طبعی، انرژی زیاد و قدرت روایتگری. در همین خاطراتش هم هست که به‌خوبی می‌توانید با او و توانمندی‌هایش آشنا شوید.

نشان لباس هلال احمر را مقدس می‌شمارد. خود را سرباز این جمعیت می‌داندوبه‌بالاترین‌درجه‌خدمت‌رسانی هلال احمر یعنی «ایثار» رسیده است. از نظر او هلال احمر مجموعه‌ای عام‌المنفعه است که آموزش‌های آن به عموم مردم می‌تواند منجر به نجات جان یک انسان شود. این گفت‌وگو در پایگاه امداد و نجات خراسان رضوی واقع در کیلومتر۱۰ جاده مشهد به سمت چناران تهیه شده است که شرح آن را در ادامه می‌خوانید.

● **از عملیاتی بگویید که در این دو دهه خدمت، هیچ‌گاه از خاطرتان نرفته است.**

خاطره‌ام مربوط به امدادرسانی به زائران ایرانی است که از پیاده‌روی اربعین بازمی گشتند. سال ۹۷ بود. هیچ‌گاه آن روزها را فراموش نمی کنم. با شوق برای این عملیات رفته بودیم اما روزهای آخر از حد توانمان خارج شده بود. ایرانی‌ها در عراق خیلی کباب ترکی می‌خوردند و همین باعث می‌شد به بیماری‌های گوارشی مبتلا شوند. ما بیماران را با آمبولانس از بیمارستانی در کربلا می‌رساندیم به سمت مرز مهران. فاصله دوساعته را به دلیل رعایت حال آن‌ها باید دوازده‌ساعته طی می کردیم. در راه، مدام اکسیژن می‌رساندیم. این وسط یک‌نفر هم توی اتوبوس فوت شد. حساب کنید، هجده‌روز با همین وضعیت گذشت. خودمان هم استراحت نداشتیم. شش لایه ماسک زده بودیم و از کمی وقت و نبود امکانات، مجبور می‌شدیم، تن ماهی گرم نشده بخوریم که خودمان را هم به بیماری گوارشی مبتلا کرده بود.

● **پس این سخت‌ترین عملیات شما بود؟**

نه. سخت‌تر اینجا بود که تا رسیدیم مشهد برای زلزله سرپل ذهاب اعزام شدیم. آنجا دو اتفاق بزرگ افتاد که می‌توانست منجر به مرگ من شود.

● **چه اتفاق‌هایی؟**

زمان امدادرسانی به اهالی سرپل ذهاب، برخی از آن‌ها از شیوه پخش چادرها گله داشتند و خلاصه با ما چپ افتادند. من و یکی از همکارانم برای امدادرسانی بیشتر سمت چادرهای آن‌ها رفتیم که ناگهان ما را دوره کردند. در حالی که دست بعضی از آن‌ها قمه بود! همکارم توانست از غائله در برود اما من گرفتار، باقی ماندم. فقط سکوت کرده بودم و به این فکر می کردم چطور خودم را نجات بدهم. ناگهان شروع کردم به‌گریه کردن. آن هم چه اشکی. گریه‌ای آمیخته با ترس. با همان بغض و گریه گفتم، شما فکر می کنید فقط خودتان عزیز از دست داده‌اید! دوساعت پیش برادرم در حادثه‌ای فوت شده و من به خاطر شما آمده‌ام اینجا. داد می‌زدم و می گفتم «بیا بزن»، «بیایید و من را بکشید». خلاصه نشستم روی زمین و دستم را روی سرم گذاشتم. اما ورق برگشت. آن‌ها دستم را گرفتند و بلندم کردند. گفتند برادر ما را ببخش. خودم متحیر شده بودم که چطور در آن لحظه چنین فکری به ذهنم رسیده بود.

● **از اتفاق اول که جان سالم به‌در بردید. ماجرای دوم چه بود؟**

منطقه‌ای است در سرپل ذهاب بود به نام‌کولی‌ها که می گفتند خیلی خطرناک است و آنجا سر می‌برند و .... برای همین کمکی هم به این منطقه نشده بود. اما همین موضوع باعث شد دل به دریا بزنم و شبانه به سمت آن‌ها بروم. با خودم گفتم دوحالت دارد. می گویم برای کمک آمده‌ام. یا من را می کشند یا کمکم را می‌پذیرند. شما نمی‌دانید چقدر ترس داشتم. به یک چادر رسیدم. یک نفر سرش را از زیر چادر درآورد. از ترس زبانم گرفته بود. گفتم آمده‌ام برای کمک. گفت کمک نمی‌خواهیم. همان لحظه، زنی با لباس محلی از چادری بیرون آمد. من هم با ترفند خاص خودم خبرشان کردم که قصد کمک دارم. رئیس قبیله‌شان آمد. بهشان گفتم این‌ها می گویند شما آدم‌کش هستید اما متوجه شدم مردم این منطقه، مظلوم و طردشده هستند. بغض کردم و برایم این موضوع دردناک بود. یک مادر و فرزندان دوقلویش را دیدم که از سرما و گرسنگی می لرزیدند. اگر بگویند بزرگ‌ترین ضایعه زندگی‌ات چه بود، همین ماجرا را تعریف می کنم. نصف شب بود که برگشتم انبار و داد می‌زدم که همانجا که گفتید نروم، بهترین آدم‌های روی زمین زندگی می کنند. شیرخشک برداشتم و نان و خرما و لباس‌های بسیار خوب و گرمی که از کشورهای خارجی رسیده بود. روز بعدش هم دوباره با کمک‌های زیادی برای مردم آن منطقه رهسپار شدیم.

عکس: محسن بخشنده|شهرآرا

● **اما مهم‌ترین اتفاق زندگی‌تان که باعث شد حال خوب در کمک به دیگران را از صمیم قلب احساس کنید، چه خاطره‌ای است؟**

نجات جان یک خانم از خفگی بود. یادم است در حاشیه یک برنامه یا همایش بود که خانمی دچار خفگی شد. هیچ کس با اورژانس تماسی نگرفت. بلند شدم و به پشت ایشان ضربه زدم. آن خانم شروع کرد به نفس کشیدن. ناخودآگاه از نجات ایشان اشک توی چشمانم حلقه زد. حاضران برایم دست زدند و آن لحظه حس عجیبی داشتم. آن خانم هم مدام از من تشکر می کرد. همانجا در پنج‌دقیقه به بقیه نجات از انسداد ناشی از خفگی را آموزش دادم.

● **باز هم خاطره‌ای برای تعریف کردن دارید که پسوند «ترین» برای آن قائل باشید؟**

(می‌خندد) بله. این یکی هم از بهترین خاطراتم است. من همیشه در خودرو شخصی‌ام «جامبگ» دارم (کیفی مخصوص وسایل کمک‌های اولیه امداد و نجات). از مسافرت شمال به سبزوار برمی گشتم که متوجه شدم خودرویی واژگون شده است. مردم دور مادری که کودکش را در آغوش گرفته بود، جمع شده بودند. اینجا هم هیچ کس با اورژانس تماس نگرفته بود. زبان کودک پشت حلقش برگشته و درحال خفه‌شدن بود. کیفم را درآوردم و خودم را معرفی کردم. خانمی هم به‌من پیوست که پرستار بود. خلاصه توانستیم زبان کودک را سر جایش بیاوریم. به محض اینکه هوا وارد دهانش شد و خوشبختانه توانست بلند بلند نفس بکشد، اورژانس هم رسید.

● **آیا قدِ بلند می‌تواند امتیازی برای یک امدادرسان باشد یا نه؟**

(می‌خندد) قد بلند فقط در تعویض لامپ خانه به‌درد می‌خورد. اتفاقا آسیب‌پذیری‌اش در کار امدادرسانی زیاد است چون موقع انتقال مصدومان روی کمر فشار زیادی وارد می کند.

● **چرا این‌قدر روی آموزش دیدن و کسب مهارت تأکید دارید؟**

آموزش در هلال احمر یعنی نجات جان یک انسان. وقتی قلب انسان از حرکت باز می‌ایستد، همه می گویند فرد، مرده است اما از نظر ما آن فرد نمرده و هنوز می‌تواند شانس مجدد زندگی داشته باشد. شانسی که من و شما ایجاد می کنیم. فقط نیاز به افرادی است که در زمینه کمک‌های اولیه و فوریت‌های پزشکی آموزش دیده باشند. ببینید، به‌ازای هر یک دقیقه تأخیر برای احیای (بازگرداندن) فردی که دچار ایست قلبی شده، ۱۰درصد از شانس مجدد زندگی بیمار کم می‌شود و ۱۰درصد هم به مغزش آسیب می‌رسد. درحالی که شما با آموزش ۱۰ دقیقه‌ای به‌راحتی می‌توانید در لحظات اضطراری جان خود یا جان عزیزانتان را نجات دهید. به نظرم این شعار بسیار به جاست که هر خانواده ایرانی به یک نفر امدادگر نیاز دارد.

● **یعنی فرزندان خودتان هم آموزش خواهند دید؟ یا دیده‌اند؟**

بله. همین حالا پسرم مهدیار احیای قلبی‌ریوی را نه‌تنها انجام می‌دهد که آن را آموزش هم می‌دهد. پسرم عاشق این لباس است و با لباس‌های هلال احمر مدرسه می‌رود.

● **این راه هم بگویید که خانواده‌تان با این رفتن‌ها و نبودن‌های طولانی شما چطور کنار آمده‌اند؟**

دقیقا بعد از بازگشت از عملیات اربعین بود که همسرم اشک در چشمانش جمع شده بود و می گفت: دیگر بس است.

● **اما اگر بخواهید مسیر شغلی‌تان را در این نوزده‌سال حضور در جمعیت هلال احمر تعریف کنید، نقاط عطف این دوران کجاست؟**

سال ۸۲ و بعد از زلزله بم، باعث شد به امدادگر شدن در هلال احمر فکر کنم. از همان زمان، دوره‌های آموزشی مختلف را در شهرمان سبزوار گذراندم و به عنوان امدادگر در پایگاه جاده‌ای اولین حضور داوطلبانه‌ام را تجربه کردم. سال ۹۱ بود که در دوره کشوری «جستجو و نجات در حوادث ترافیکی» نفر اول شدم و زندگی کاری‌ام از اینجا تغییر کرد. سال ۹۶ هم در آزمون استخدامی سازمان هلال احمر قبول شدم و به عنوان نجاتگر راننده فعالیتم را به صورت رسمی ادامه دادم. من در همه این سال‌ها به خاطر عشق به مجموعه هلال احمر مرتب به دوره‌های آموزشی آن گریز می‌زدم و شرکت می کردم و هر چه می‌آموختم آموزش می‌دادم چون بسیار به تدریس علاقه‌مندم. نیروی کف میدانی بودم که به‌کاری نیاز داشتم از نظر روحی به من رضایت ببخشد و هلال احمر همان انتخاب بود. حالا هم که در سمت معاونت امداد و نجات هستم. (می‌خندد) شاید بعضی‌ها بگویند شما را چه به پشت میز نشستن!؟ شما که همیشه در جاده بوده‌اید.

## از سگ‌های ژرمن تا بالگرد روسی

● **پایگاه امداد و نجات خراسان رضوی به چه امکاناتی مجهز است؟**

این پایگاه در چند حوزه فعالیت دارد. عملیات نجات با تجهیزات تخصصی که مثلا در نجات جان افراد گرفتار در کوهستان بسیار مؤثر است. تیم واکنش سریع ما که بیست‌وچهارساعته برای انجام عملیات آماده هستند و در آخرین عملیاتشان برای امدادرسانی به زلزله‌زدگان ترکیه اعزام شدند. حوزه لجستیک و پشتیبانی که تجهیزات خودرویی را به‌عهده دارند. مرکز کنترل عملیات هماهنگی با اسم EOC هم مرکزی برای اعلام حوادث به شماره ۱۱۲ است. در همین حادثه گرفتارشدن قطار در سرما، نزدیک به هزار نفر با این شماره تماس گرفتند. در حوزه امداد هوایی هم یک بالگرد داریم. واحد آنسَت هم که بخش نگهداری از سگ‌های تجسس ماست. ما ۲۶ پایگاه ثابت داریم که بیست‌وچهارساعته در جاده‌ها به مردم خدمات می‌دهند. علاوه بر این ۹ پایگاه موقت زمستانه داریم که در زمستان و نوروز فعال می‌شوند.

● **سگ‌های تجسس تاکنون چقدر عملیات داشته‌اند؟**

ما دو سگ زنده‌یاب از نژاد ژرمن آلمانی داریم که بیشتر از ۲۰ تا ۲۶ عملیات مهم و موفق داشته‌اند. در یکی از آخرین عملیات‌هایشان مادر و کودکی را از زیر آوار خانه‌ای که خراب شده بود در نزدیکی پل میدان امام حسین(ع) نجات دادند.

● **در کل کشور چند بالگرد امدادرسان داریم؟ ویژگی‌های بالگرد پایگاه خراسان رضوی چیست؟**

در کل کشور ۲۴بالگرد داریم. بالگرد پایگاه ما MI17روسی است. بزرگ است و شانزده تا هفده نفر نیرو ظرفیت جابه جایی دارد. برای امدادرسانی به مناطق صعب‌العبور، کوهستان‌ها و در زمان سیل هم زیاد از آن استفاده می‌شود. در پرواز اخیرش در همین سرمای ماه‌دی، خانم بارداری را در درگز که برای زایمان مشکل داشت، به‌سرعت به‌بیمارستانی در مشهد رساند.

● **به نظر شما تا چه میزان پایگاه امداد و نجات خراسان رضوی مجهز است؟**

تجهیزات ما خوب است اما قطعا به‌روزرسانی نیاز دارد. مثلا ما آمبولانسی داریم که مربوط به پانزده‌سال گذشته است اما هنوز از آن استفاده می‌شود. دپوی اقلام امدادی پاسخگوی نیاز استان نیست و تجهیزات لجستیک و اقلام انبارهایمان نیاز به تجهیز و به‌روزرسانی دارد که امیدواریم مجلس اعتبار لازم را در اختیار سازمان ما بگذارد.

---

جدول ۳۷۰۲

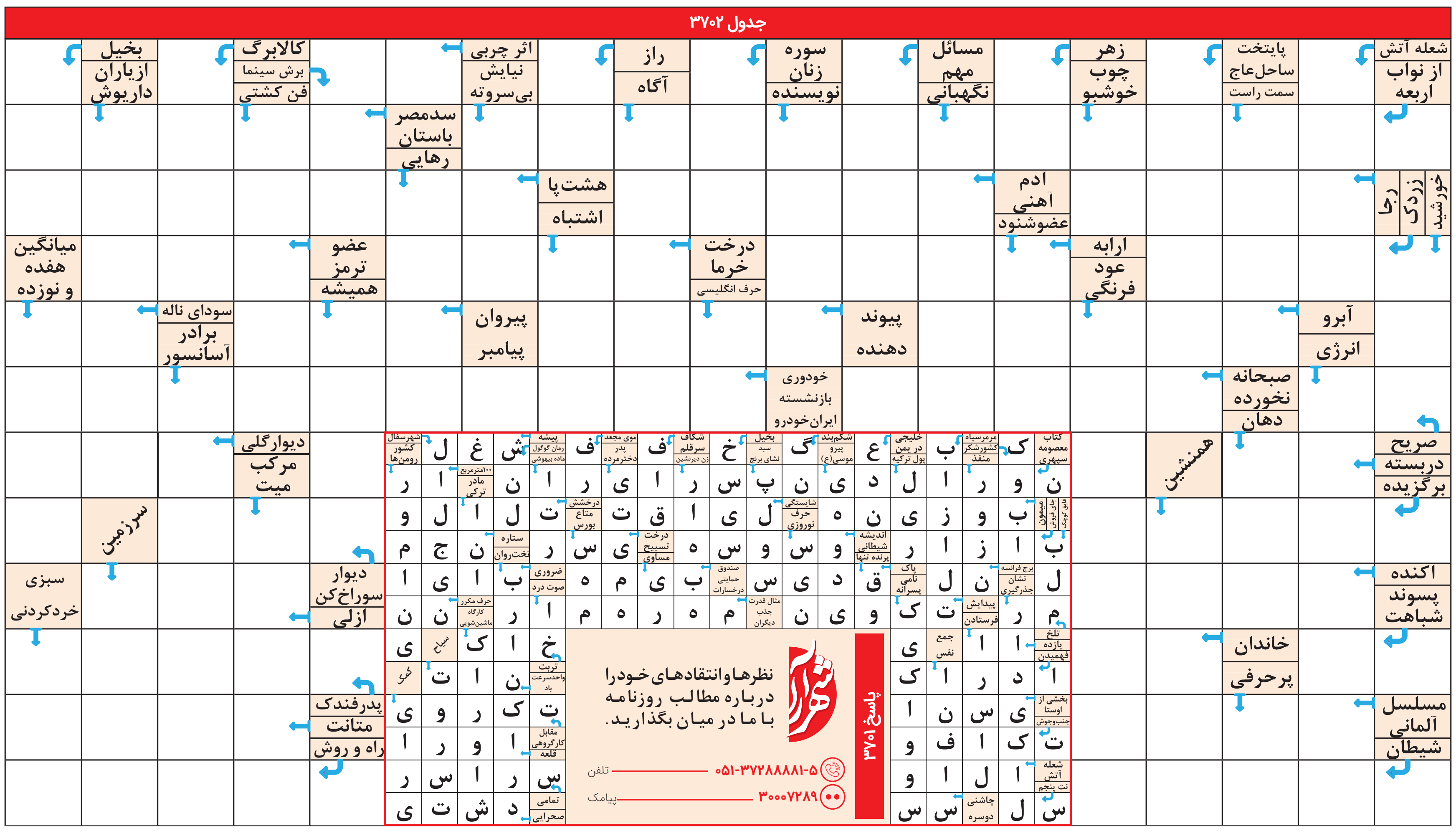

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ تلفن

۳۰۰۰۷۲۸۹ پیامک